

ائتلاف سازی در سیاست خارجی عربستان سعودی و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹)
داوود احمدزاده^۱ - کیهان برزگر*^۲ - حمید احمدی^۳ - سید اسدالله اطهری مریان^۴
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۹/۲۱ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۲۵

چکیده:

ایران و عربستان در منطقه خاورمیانه برای تبدیل شدن به هژمون منطقه‌ای با یگدیگر رقابت داشته‌اند. عربستان راهبرد ائتلاف را در حوزه سیاست خارجی در مقابل ایران پیش گرفته است. لذا پرسش اصلی مقاله حاضر این است که ائتلاف سازی منطقه‌ای عربستان چه تاثیری بر امنیت ملی ایران داشته است؟ فرضیه نیز بدین شکل تدوین یافته است تشکیل ائتلاف سازی و تهاجم به یمن از سوی عربستان سعودی می‌تواند به تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران بیانجامد. برای ارزیابی فرضیه از نظریه موازنه تهدید استغن والت استفاده می‌شود. روش تحقیق تحلیلی و توصیفی است. در نتیجه راهبرد ایران برای برون رفت از بحران، اتخاذ رویکرد دوجبهی در قالب تقویت قدرت بازدارندگی و بکارگیری قدرت نرم درحوزه دیپلماسی می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایران، عربستان سعودی، ائتلاف سازی، سیاست خارجی، امنیت ملی

^۱ - فارغ التحصیل دکتری سیاست گذاری عمومی، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

ahmadzadeh96@gmail.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی روابط بین الملل، گروه روابط بین الملل، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران: نویسنده مسئول

Kbarzegar@hotmail.com

^۳ - استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

hahmadi@ut.ac.ir

^۴ - استادیار و عضو هیئت علمی گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد تاکستان، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران

athary.asadolah@yahoo.com

۱- مقدمه

عربستان سعودی در طول دهه‌های گذشته سیاست افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای را به روش‌های مختلف دنبال کرده و ائتلاف سازی منطقه‌ای نیز از جمله محورهای کلیدی در سیاست خارجی عربستان بوده است. شکل‌دهی به شورای همکاری خلیج فارس و سپس تلاش برای تقویت جبهه موسوم به محور میانه رو عربی در برابر محور مقاومت از مهمترین این تلاش‌ها بوده است. با این حال تنها بعد از آغاز خیزش‌های مردمی در جهان عرب از سال ۲۰۱۱ و گسترش بحران‌های منطقه‌ای و ورود ریاض به رویکرد تهاجمی در سیاست خارجی بود که ائتلاف سازی‌های منطقه‌ای عربستان کاملاً شدت گرفته و توسعه یافت. بسیاری از تحلیلگران ائتلاف سازی‌های عربستان سعودی را پیش از هر چیزی بر اساس یک احساس «تهدید مشترکی»^۱ به نام ایران می‌دانند. بطوری که عربستان و برخی کشورهای همسودرکی مشترک از تهدید ناشی از برتری نیروهای مقاومت در سوریه و برتری شیعیان حوثی در یمن دارند. آنان از شکل-گیری "هلال شیعی"^۲ ابراز نگرانی کرده‌اند و معتقدند ایران در حال ایجاد این هلال از تهران تا بیروت است که از بغداد و دمشق عبور می‌کند. در حال حاضر این برداشت در میان مقامات سعودی وجود دارد که برقراری ارتباط قوی‌تر با اسرائیل نیز بسیار مهم است؛ زیرا این امر به آنها یک قدرتمندتری برای مقابله با ایران می‌دهد.

لذا از نشانگان جدید تخاصم عربستان علیه ایران نزدیکی و تلطیف روابط با دشمن اصلی اعراب و مسلمانان و جمهوری اسلامی یعنی اسرائیل است. این درحالی است که دولت ریاض قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در صف مقدم مقابله با تلاویو قرار داشت و مهمترین دلیل شکل‌گیری سازمان "کنفرانس اسلامی" توسط ریاض نیز اقدامات اسرائیل در آتش سوزی مسجد الاقصی بود. (نجفی سیار، قلی خانبا، ۱۳۹۶: ۱۲۹-۱۶۲) "گراهام فولر" در این زمینه می-نویسد: ریاض امروزه جویای به تصویر کشیدن ایران به عنوان تهدیدی نوینی است که علیه پادشاهی عربی وجود دارد نه به این دلیل که فارس است بلکه بالاتر از آن به دلیل آنکه شیعه است. (Fuller, 2011)

از اینرو می‌بایست تلاش در جهت مانع تراشی برای دستیابی تهران به جایگاه برتر منطقه-ای صورت می‌پذیرفت از این رو در سطح بین‌المللی در مذاکرات با مقامات غربی تاکید ورزید که در صورت عدم ایجاد مانع در برابر ایران، این کشور نیز به سمت هسته‌ای شدن پیش خواهد

¹ -Common.Threat

² - shiiteCrescent

رفت و در سطح منطقه‌ای نیز با ایجاد اتحادیهایی سعی در مهار ایران نمود. (اولیایی، ۱۳۹۳: ۱۱) بر همین اساس، در راستای پرداختن به این موضوع مهم، پرسش اصلی که در پژوهش حاضر مطرح می‌شود این است که «سیاست خارجی عربستان سعودی در دوران ملک بن سلمان چه تهدیدات امنیتی را برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد خواهد کرد؟» سیاست خارجی عربستان مبتنی بر ائتلاف سازی با تشدید منازعات فیما بین می‌تواند به تحدید نفوذ منطقه‌ای ایران بیانجامد. در پاسخ به این پرسش، در ابتدای امر دکتربین سیاست خارجی عربستان با محوریت ائتلاف سازی علیه ایران واکاوی شده و سپس، تهدیدات امنیتی این رویکرد هم بررسی شده است.

۲- روش تحقیق

در این پژوهش از روش توصیفی- تحلیلی و نیز تحلیل محتوا استفاده شده است. روش گرد آوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای می‌باشد. سوال پژوهش این است که ائتلاف سازی منطقه‌ای عربستان چه تهدیدهای متوجه امنیت ملی و منطقه‌ای ایران نموده است. فرضیه پژوهش نیز این است خروج بن سلمان از سنت سیاست نومحافظه کاری در منطقه خاورمیانه و اتخاذ سیاست تهاجمی در قالب شکل دادن به ائتلاف‌های ضدایرانی، ضمن تشدید منازعات فیما بین، تهدیدات عینی در ابعاد سیاسی- نظامی و اقتصادی را متوجه امنیت ایران نموده است.

۳- اهمیت و ضرورت پژوهش

تحولات سریع دامنه دار و صف بندی‌های سیاسی جدید در خاورمیانه با حضور دو رقیب دیرینه (ایران- عربستان سعودی) به گونه‌ای است کل منطقه و آینده امنیتی آن را با ابهام روبرو ساخته است. با توجه به ائتلاف سازی اخیر منطقه‌ای علیه ایران و افزایش مخاطرات امنیتی، سیاستگذاران امنیتی ایران اگر بخواهند تهدیدات پیش روشناسایی و به حداقل برسانند، می‌بایست وضعیت آینده منطقه و تحولات امنیتی آن را پیش بینی و با طراحی راهبردهای مختلف و همچنین ارائه راهکارهای مناسب برای مواجهه با هر یک از تهدیدات پاسخگو باشند.

۴- پیشینه پژوهش

بررسی ادبیات موجود مربوط به بحث ائتلاف سازی منطقه‌ای علیه ایران نشانگر مولفه‌های اثرگذاری چون هویت، امنیت و قدرت به عنوان عوامل پیشران و الگوی شکل دهنده رفتارهای سیاسی عربستان سعودی است. ادبیات میدانی پژوهش نیز حاکی از این است که هیچ مقاله یا کتاب با موضوع ائتلاف سازی منطقه‌ای عربستان در قبال ایران تدوین نشده و پژوهش‌گران و نویسندگان این حوزه تنها به صورت موردی روابط میان ایران و عربستان سعودی را به

ویژه در مسائل منطقه‌ای و سیاست خارجی آن‌هم به شکل تحلیلی-توصیفی بررسی نموده است. در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود:

کتاب «سیاست منطقه‌ای ایران در بستر زمان» کیهان برزگر، با رویکرد کاربردی بیشتری بر مسائل تامین امنیت و منافع ملی، به عنوان مهم‌ترین اولویت «دولت» ایرانی می‌پردازد و ریشه‌های تداوم سیاست منطقه‌ای ایران را در «بستر زمان» و چگونگی تکرار ریتم‌های تاریخی مورد بررسی قرار می‌دهد محدوده زمانی مطالب این کتاب بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۷ یعنی در زمان دولت‌های اول و دوم حسن روحانی رئیس‌جمهور میانه روی ایران است. در این دوران دو موضوع توافق هسته‌ای با قدرت‌های بزرگ (برجام) و سیاست منطقه‌ای ایران محور اصلی تنظیم روابط منطقه‌ای و بین‌المللی ایران بوده است. (بزرگر: ۱۳۹۸)

حمید احمدی در کتاب «روابط ایران و عربستان در سده بیستم دوره پهلوی» بیان می‌کند که ایران و عربستان بی‌گمان ابرقدرت‌های منطقه خلیج فارس به شمار می‌روند و بررسی روابط دو کشور و نقش آنها در رویدادهای گوناگون منطقه اهمیت فراوانی دارد. بدون شک در تحولات دهه ۱۹۶۰ به بعد، ایران و عربستان در سیاستگذاری منطقه‌ای، چه در منطقه شرق عربی و چه در خلیج فارس بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. این نقش، به ویژه در برقراری توازن منطقه‌ای و مقابله با چالش‌های امنیتی، چشمگیر بوده است. (احمدی، ۱۳۸۶)

عباس مصلی نژاد در مقاله‌ای تحت عنوان «تسری رقابت ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی» بحران‌های موجود در کشورهای منطقه را در چارچوب نظریه هویت و قطبیت مورد بررسی قرار داده و نتیجه‌گیری می‌کند که منازعات داخلی در کشورهای منطقه‌ای، زمینه رویارویی ژئوپلیتیکی بازبگرن منطقه‌ای را در چارچوب جنگ‌های نیابتی و نشانه‌هایی از جنگ‌های کم‌شدت فراهم می‌سازد. (مصلی نژاد، ۱۳۹۶)

رقیه جاوید و غلامرضا بهروز لک در مقاله «سناریوهای آینده روابط ایران و عربستان» به بررسی تعاملات سیاست خارجی عربستان سعودی و ایران از منظر آینده پژوهشی با روش سناریو نویسی (جمیز دیتور) پرداخته با تحلیل تاثیر بر روند رویدادها و سناریوهای دهه آینده روابط عربستان و ایران را برای برنامه ریزی و سیاستگذاری مناسب‌تر تبیین کردند. در این مقاله سناریو تیرگی روابط بیشترین احتمال و سناریوی همکاری کمترین وقوع احتمال را دارد و همچنین سناریو جنگ و درگیری یا قطع روابط نیز با احتمال زیادتری عنوان شده است. (جاویدی، بهروزی لک، ۱۳۹۶)

آریال جانر^۱ (۲۰۱۲) در مقاله‌ای پژوهشی با عنوان «عربستان سعودی و ایران مبارزه برای قدرت و نفوذ در خلیج فارس» با بررسی رویدادهای خاورمیانه پس از قیام‌های مردمی و سرنگونی رژیم‌های اقتدارگرا و تاثیر آن بر محیط سیاسی و تغییرات در ساختار قدرت در منطقه، ایران و عربستان را دو بازیگر کلیدی و نقش آفرین و دارای شاخص‌های رهبری اعلام می‌کند. در این مقاله ابتدا به اشاره به تاریخچه شکل‌گیری مناسبات دوجانبه و مسیر همکاری‌ها تا زمان شاه و وقوع انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ اشاره و یادآور می‌شود که پس از وقوع انقلاب اسلامی بدلیل ماهیت انقلاب و ترس از سرایت آن به کشورهای حوزه خلیج فارس این روابط تنش آلود، همواره با کشمکش دنبال شده است.

۵- مبانی نظری

قبل از مفهوم سازی موازنه تهدید، آشنایی با مفهوم موازنه قدرت به عنوان قدیمی‌ترین و با دوام‌ترین و مناقشه انگیزترین سیاست بین‌الملل ضروری است. موازنه قوا جزو مهم‌ترین و قدیمی‌ترین نظریه‌های متعلق به واقع‌گرایی و نو واقع‌گرایی قلمداد می‌شود که نظام بین‌الملل را از دیرباز بویژه قرون ۱۸ و ۱۹ میلادی تا پیش از فروپاشی شوروی سابق در قرن بیستم را به خوبی تبیین می‌کند. والتز با اطمینان می‌گوید سیاست موازنه قدرت هر زمانی که دو پیش شرط وجود داشته باشد به وجود خواهد آمد: یکی اینکه نظم نظام، آنارشیک باشد و دوم اینکه نظام پراز واحدهایی باشد که به دنبال بقاء باشند. (waltz, 1979. 121)

در سال ۱۹۷۸ استفن والت نظریه "موازنه تهدید" خود را به منظور بروز کردن رویکرد کلاسیک کنت والتز ارائه کرد. وی در تبیین نظریه خود ابتدا بر رفتار موازنه سازی و یارگیری بازیگران تاکید می‌کند اما در ادامه به جای تاکید صرف بر قابلیت‌های تهاجمی به تهدیدات توجه دارد با این حال از نظر کنت والتز نظریه استفن والت نظریه بازنگری موازنه تهدید نیست، بلکه در واقع کاربرد موازنه قدرت در سیاست خارجی است. (همیانی، ۱۳۹۴)

می‌توان فرید زکریا و جان میرشایمر را مهم‌ترین نظریه پردازان واقع‌گرایی تهاجمی دانست. واقع‌گرایان تهاجمی چنین استدلال می‌کنند که آنارشی دولتها را وادار می‌سازد قدرت (یا نفوذ) نسبی خود را به حداکثر برسانند. دولتها می‌کوشند با به حداکثر رساندن قدرت و نفوذ خود، امنیت خویش را به حداکثر برسانند. از دید واقع‌گرایان تهاجمی، آنارشی بین‌المللی حائز اهمیت زیادی است. لذا تلاش دولتها برای کسب امنیت ممکن است به تعارض با دیگران منجر شود و

^۱ - Ariel Jonner

چون کسب قدرت دولتی به معنای از دست رفتن قدرت دولت دیگر است، نتیجه محتوم این چنین بازی، تضاد و کشمکش است. (مشیرزاده، ۱۳۹۰: ۱۳۰)

اتحادهایی که برای موازنه سازی علیه تهدیدها شکل گرفته‌اند، ممکن است، چندین شکل مجزا داشته باشند. در اشکال متدوال‌تر و رایج‌تر آن دولتها در جستجوی مقابله با تهدیدات با افزودن قدرت دیگر کشورها به خودشان هستند. بنابراین ابرقدرتها در جستجوی اتحادهایی هستند که آنها را از تهدیدات یکدیگر در امان بدارد (برای مثال از طریق به دست آوردن پایگاه‌ها یا دیگر مایملک نظامی سودمند یا مانع تراشی در مقابل دیگران برای بسط نفوذ خود) دولت‌های منطقه-ای بیشتر به دنبال کمک‌های خارجی هستند که اغلب هم از یکی از ابرقدرتها است، ولی بسیار کم و در واقع بر حسب تضاد ممکن است قدرت‌های منطقه‌ای از دیگر بازیگران منطقه‌ای طلب کمک کنند. البته آن هم در مواردی که گرفتار یک رقابت شدید یا یک درگیری نظامی جدی شده باشند. (محمد یاری و دیگران، ۱۳۸۹)

به طور کلی علت عمده متعدد شدن واحدهای سیاسی به یکدیگر، افزایش نفوذ دیپلماتیک، ایجاد بازدارندگی، حفظ امنیت و تحقق هدف‌ها و منافع ملی از طریق ترکیب توانایی‌های اقتصادی و نظامی است. معمولاً دولت‌هایی که به اتحادهای رسمی می‌پیوندند، منظور کسب منافع بیشتر است؛ منافعی که کسب آنها قبل از پیوستن به ائتلاف‌های مزبور بسادگی امکانپذیر نبوده یا تامین آن بکلی غیر ممکن بوده است. (قوام، ۱۳۷۱: ۱۸۱)

برخی از مهمترین مفروضات نظری اتحاد عبارتند از:

* دولت در مقابل دولت‌هایی متحد می‌شوند که منشأ بیشترین تهدیداند؛ بنابراین، دولت یا دولت‌های تهدید کننده لزوماً جزء قویترین‌ها دولت نیستند،

* تهدید صرفاً به میزان قدرت دولتها بستگی ندارد بلکه تصویری که دولتها در روابط خود از تهدید دارند مدنظر است،

* هر اندازه تهدیدات خارجی شدیدتر باشد، به همان اندازه انگیزه اتحاد بیشتر می‌شود و نظام به لحاظ کارکردی از انسجام بیشتری برخوردار خواهد شد،

* «والت» تهدید را افزون بر قدرت، ترکیبی از سایر عوامل نظیر توانایی‌هایی تهاجمی، قدرت نظامی، نزدیکی جغرافیایی و مقاصد تجاوزکارانه احتمالی می‌داند،

* یکی از شرایط افزایش امنیت در نظام موازنه تهدید آن است که موازنه به وجود آمده به هنجارها تبدیل شود،

به عقیده والت، نظریه موازنه تهدید جایگزین موازنه قوا نیست، بلکه با هدف افزایش قدرت

تبیینی آن مطرح است. هرگاه دولتها احساس کنند موجودیت یا منافع آنها را سایر دولتها با تهدید فوری روبرو می‌کنند، با اتحاد با یکدیگر، به موازنه در برابر آنها می‌پردازند. (Waltz, 1987, 1-12)

محور اصلی نظریه جدید که در گونه‌های تدافعی و تهاجمی ظاهر شده است این است که در عین توجه به عوامل سطح نظام آنارشیک بین‌الملل بر برداشت ذهنی و ساختار دولتها نیز تاکید می‌کند (مشیر زاده، ۱۳۹۰، "۱۲۹-۱۳۰") نظریه موازنه قدرت بر مبنای دو گزاره بنیادین، قوام مفهومی گرفته است:

۱- انباشت و تمرکز قدرت نزد هر بازیگری بالذات ضریب امنیتی دیگر بازیگران را کاهش خواهد داد.

۲- در یک نظم آنارشیک بین‌المللی، دولتها برای بقا و افزایش امنیت خود مجبور به مقابله با تمرکز قدرت هستند. (احمدی و زارع، ۱۳۹۰: ۴)

دیدگاه‌های غالب در نظریه‌های روابط بین‌الملل علت اصلی ایجاد اتحاد و ائتلاف بین دولتها را مبارزه با تهدید مشترک خارجی می‌دانند. (Liska, 1962)

نکته مشترک بین واقع‌گرایان تهاجمی و تدافعی این است که هر دو شرایط وجود آنارشی در سطح نظام، دولتها را در تاثیرگذاری بر رویدادهای سطح بین‌المللی ناتوان می‌پندارند که پیامد داخلی آن رفتار سیاست خارجی دولتها، عدم توانایی تغییر محیط عملیاتی خارجی و مقید شدن رفتار آنها توسط نظام بین‌الملل است. (Mearsheimer, 1995, 10-15)

برای کاربری نظریه موازنه تهدید قوا در موضوع پژوهش باید گفت در دیدگاه واقع‌گرایی، ایران و عربستان سعودی به عنوان کنشگران اصلی سیستم نظم منطقه‌ای در خاورمیانه آشوب زاده براساس قواعد بازی حاصل جمع صفر کار می‌کنند که هدف از رقابت موجود نیز حفظ بقا و تحدید منافع یکدیگر است در دهه اخیر با جابجایی قدرت در خاندان آل سعودی و تغییرات ژئوپلیتیکی در منطقه و بروز جنگ‌های نیابتی در سوریه- عراق و قدرت یابی حوثی‌ها در یمن باعث شده است که حاکمان سعودی تصویری تهدید آمیز از ایران داشته باشند و بر اساس ادراک تهدید به پیشینه سازی قدرت در منطقه اقدام کنند.

۶- سیاست خارجی عربستان مبتنی بر توازن تهدید در منطقه

سیاست خارجی عربستان سعودی در منطقه خاورمیانه واجد ویژگی‌ها و ابعاد مختلفی است که در اغلب موارد نه تنها با سیاست منطقه‌ای ج.ا. ایران متمایز و حتی متناقض است، بلکه

تأثیرات جدی بر امنیت ملی کشور دارد. (اسدی، ۱۳۸۸: ۶۸)

اسلام، نفت و امنیت سه پایه اصلی مشروعیت ساز سیاست خارجی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهند. این سه عنصر به صورت گفتمان‌های حمایت‌گر در راستای ایجاد استراتژی-های منطقه‌ای و بین‌المللی عربستان و افزایش قدرت نرم این کشور نقش مهمی را ایفا می‌نمایند. عربستان دوست دارد که همواره به عنوان ام‌القرای جهان اسلام که توانایی همزیستی با غرب را دارد شناخته شده و سیاست خارجی خود را هم همواره در این راستا پایه ریزی می‌کند. همچنین باید توجه داشت که سیاست خارجی دولت عربستان سعودی به شدت تحت تأثیر تحولات و جریان‌های منطقه‌ای و گاهی بین‌المللی بوده است که امنیت عربستان سعودی را تهدید کرده‌اند. (عطایی و منصوری مقدم، ۱۳۹۲: ۱۳۷)

این فرض براساس به قدرت رسیدن ملک سلمان و پسر جوانش به عنوان وزیر دفاع مطرح است که رویکردی تهاجمی را در قبال همسایگان خود به ویژه ایران و یمن در پیش گرفته است. یکی از مصادیق مهم جابجایی راهبردی که عربستان به آن اشاره داشت، به سال ۲۰۰۸ میلادی بر می‌گردد که این کشور سیاست منزوی کردن سوریه کنار گذاشت و از آن پس تمام تلاش خود را در جهت ایجاد اختلاف و شکاف در روابط تهران-دمشق صرف کرده که با سفر تاریخی ملک عبدالله به دمشق در اکتبر ۲۰۰۹ میلادی به اوج خود رسید. اما همزمان به واسطه تلاش‌های عربستان سعودی برای شکستن محور مقاومت و گسترش ناآرامی‌ها و اعتراضات در سوریه، عربستان نیز به سرعت موضع محتاطانه خود را تغییر داد و پادشاه این کشور نیز در اوت ۲۰۱۱ سفیر خود را به ریاض فراخواند و به همراه قطر بحث تعلیق عضویت سوریه در اتحادیه عرب را کلید زدند. لذا این رویکرد دوام زیادی نیافت و به سرعت به دشمنی گذشته بازگشت. (ایران دیپلماسی: ۱۳۹۵/۰۶/۱۲)

۷- ائتلاف سازی عربستان علیه ایران

۷-۱- ائتلاف عربی-آمریکایی، عملیات طوفان قاطعیت

یکی از جدی‌ترین و مهم‌ترین ائتلاف‌هایی که در سال‌های اخیر به خواست و رهبری عربستان تشکیل شده، ائتلاف نظامی به رهبری ریاض برای جنگ یمن بوده است. این ائتلاف عربستان سعودی در چارچوب یک ائتلاف نسبتاً فراگیر عربی از کشورهای با اکثریت سنی چون بحرین، سودان، قطر، مراکش، کویت، اردن، مصر، امارات متحده عربی که شامل تمام کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به جز عمان می‌شد، تشکیل شد و در ۲۶ مارس ۲۰۱۵

عملیات موسوم به «طوفان قاطع»^۱ را علیه یمن و انصارالله آغاز کرد، این اقدام نیز با انگیزه‌های گوناگونی صورت گرفت. (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۵۹) در نتیجه، یمن، فقیرترین کشور در خاورمیانه، از این سال به کانون اصلی درگیری بین قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای، چون ایران و عربستان بدل شد که برای نفوذ در منطقه می‌جنگند. (Fadel, April 22, 2015)

از دید عربستان و نیروهای ائتلاف تحت حمایت این کشور در چارچوب جبهه متحد عربی در یمن، اهداف کلیدی عملیات طوفان قاطع عبارتند از: الف) محافظت از یمن جهت جلوگیری از تصرف آن توسط شبه‌نظامیان حوثی و متحدان آنها. ب) امنیت پادشاهی عربستان سعودی و کشورهای همسایه، به ویژه از موشک‌های بالستیک و سلاح‌های سنگین که توسط شبه‌نظامیان حوثی و متحدان آنها به دست آورده‌اند. ج) خنثی‌سازی بیشتر توانایی‌های نظامی شبه‌نظامیان حوثی و متحدان آنها که تهدیدی برای یمن و کشورهای همسایه است. د) جلوگیری از ورود سلاح از خارج از یمن به داخل کشور. ه) حمایت از دولت مشروع یمن و توانمندسازی آن در انجام امور خود.

در نتیجه، مهم‌ترین استدلال سعودی‌ها در توجیه تجاوز نظامی به یمن، چنان که پیش‌تر نیز گفته شد، تسلط حوثی‌ها بر یمن با طراحی ایران و تهدیدات آن برای امنیت دولت سعودی، منطقه و تنگه باب‌المنذب است. به تعبیر دیگر، ائتلاف به رهبری عربستان سعودی با هدف مقابله با یک تهدید فوری و حیاتی (البته از دیدگاه کشورهای عضو ائتلاف) یعنی «گسترش نفوذ ایران» شکل گرفته است و این نکته‌ای است که به‌روشنی در سخنان وزیر خارجه امارات متحده عربی، شیخ عبدالله بن زاید آل‌نهیان آشکار بود. وی چند روز پس از آغاز عملیات «عاصفه الحزم» در دیدار با ریاض یاسین همتای یمنی خود، ایران را به دخالت در عراق، سوریه، لبنان و یمن متهم کرد و اظهار داشت که دوستان ما در ایران قصد صدور انقلاب سال ۱۹۷۹ را دارند و این جزء قانون اساسی و نظام آنها است. کشورهای حوزه خلیج فارس اقداماتی مانند «افزایش چشم‌گیر قدرت نظامی»، «پیگیری برنامه هسته‌ای»، «فرستادن مستشاران نظامی و ارائه کمک‌های تسلیحاتی به کشورهایمانند سوریه و عراق»، «حمایت از گروه‌هایی مانند حزب الله لبنان» و غیره از سوی جمهوری اسلامی را دلیلی بر توسعه‌طلبی ایران بر می‌شمردند که این عوامل را با «ایران هراسی» دامن زده شده از سوی کشورهای منطقه مانند «طرح هلال شیعی» پادشاه اردن و فرمانطقه‌ای غربی «تلاش ایران جهت احیای امپراتوری

^۱-Operation Decisive Storm

پارس» گره زده و معمای امنیتی را به نفع توسعه‌طلبی ایران حل می‌کنند. (رضایی، ۱۳۹۴) در همین راستا، برخی کشورهای ائتلاف، ایران را از زمان آغاز بحران یمن به پشتیبانی و فرستادن اسلحه به انصارالله متهم کرده‌اند. سرتیپ احمد العسیری سخنگوی ائتلاف در روز یکم آوریل ۲۰۱۵ اعلام کرد که: «به سپاه پاسداران ایران و عناصر حزب‌الله لبنان هشدار می‌دهیم در صورت حضور در اردوگاه‌های آموزشی انصارالله یا مناطق درگیری، سرنوشتی مانند سرنوشت آنها خواهند داشت». (Al-Arabia, 2015/4/1)

۷-۲- ائتلاف ضد تروریستی نظامی اسلامی

دیگر ائتلافی که در سال‌های اخیر تشکیل شده و عربستان در ایجاد آن نقش داشته، ائتلاف ضد تروریستی نظامی اسلامی^۱ است. ائتلاف ضد تروریستی نظامی اسلامی یک اتحاد ضد تروریستی بین‌المللی از کشورهای جهان اسلام است که در برابر مداخله نظامی علیه داعش و سایر فعالیت‌های تروریستی تشکیل شده است. (Kingdom of Saudi Arabia, December 2015)

تشکیل ائتلاف ابتدا از سوی محمد بن سلمان آل سعود^۲، وزیر دفاع وقت و ولیعهد فعلی عربستان سعودی، در تاریخ ۱۵ دسامبر ۲۰۱۵ اعلام شد. (Toumi & Chief, March 27, 2016) و دارای یک مرکز عملیات مشترک در ریاض است. (Miles, 16 December 2015)

عربستان عضو اصلی و رهبری شکل دهنده ائتلاف بوده و در ابتدا ائتلاف مشتمل بر ۳۴ عضو بود که پس از مدتی به ۴۱ عضو رسید و عمان نیز در سال ۲۰۱۶ به آن پیوست. در تاریخ ۶ ژانویه ۲۰۱۷، فرمانده سابق کل ارتش پاکستان، ژنرال رائیل شریف^۳، به عنوان اولین فرمانده اصلی ائتلاف برگزیده شد. اکثر کشورهای عضو ائتلاف نیز که شامل ۶۰ درصد کل اعضا می‌شود، عضویت سازمان همکاری اسلامی^۴ را دارا هستند. (Cafiero, January 5, 2017)

این کشورها شامل؛ افغانستان، بحرین، بنگلادش، جمهوری بنین، برونئی، بورکینافاسو، چاد، کومور، ساحل عاج، جیبوتی، مصر، گابون، گامبیا، گینه، گینه‌بیسائو، اردن، کویت، لبنان، لیبی، مالزی، مولداوی، مالی، موریتانی، مغرب، نیجر، نیجریه، عمان، پاکستان، قطر، عربستان، سنگال، سیرالئون، سومالی، سودان، توگو، تونس، اوگاندا، امارات، ترکیه و یمن می‌باشد. (Mitch, 2019)

قراین و شواهد نشان داد که ائتلاف مذکور با شعار مبارزه با تروریسم به ویژه

1. Islamic Military Counter Terrorism Coalition

2. Mohammad bin Selman Al Saud

3. Raheel Sharif

داعش بدنبال رویارویی با محور مقاومت در منطقه و تحدید منافع جمهوری اسلامی بوده است.

۷-۳- ائتلاف سازی عبری- عربی در سوریه

اسرائیل از ابتدای بحران سوریه (۲۰۱۳) در پی تضعیف نظام حاکم بر سوریه و نیز شکست محور مقاومت بوده و در این راستا از هیچ اقدامی اعم از تجاوز نظامی و همکاری امنیتی با مخالفان سوریه، همچنین تشویق ایالات متحده برای حضور نظامی در این کشور که به تضعیف نفوذ ایران بیانجامد، دریغ نکرده است. این خواسته تلاویو دقیقا با اهداف عربستان در تجهیز گروه‌های تکفیری و حمایت تمام عیار از مخالفین بشار اسد همپوشانی دارد و به نوعی می‌توان گفت داشتن اهداف مشترک و ادراک تهدید از حضور نیروهای محور مقاومت در سوریه ریاض و تلاویو را به متحدان طبیعی نیز بدل ساخته است.

در حوزه ائتلاف سازی عربستان در بحران سوریه می‌توان گفت؛ نخست؛ بحران سوریه رقابت و نیز الگوهای دوستی و دشمنی در خاورمیانه را با حضور قدرت‌های بزرگ برجسته نمود و زمینه را برای تقابل نیابتی این نیروها، خصوصا از سوی نیروهای تحت حمایت ایران در مقابل نیروهای تحت حمایت عربستان در سوریه را فراهم نمود. ترامپ نیز از این بازی به نفع امیال ضد ایرانی خود با تحریک عربستان به پذیرش هزینه‌های ماجراجویی آمریکا در خاورمیانه می‌نگرد. دوم؛ عربستان مایل است که ترامپ زمینه را برای تحول در چینش قدرت‌های منطقه‌ای و شکل‌دهنده مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه از دل بحران سوریه فراهم نماید. این زمینه‌سازی از طریق مساله تحریم‌های ایران نیز تشدید شده و به پشتیبانی از ایده اخراج ایران از سوریه از سوی ترامپ و همراهی با منافع اسرائیل علیه ایران نیز همراه شده است. عربستان که خود را قدرتی که قادر به تحول در الگوی نظم و امنیت خاورمیانه نمی‌بیند، به روال تاریخی خود، حضور و مداخلات قدرت بزرگی چون آمریکا در خاورمیانه برای نیل به این هدف الزامی می‌داند.

از این رونگاه ایران به بحران سوریه با دیگر کشورهای منطقه تفاوت‌های ماهوی دارد. ایران به رغم کمبودها و کاستی موجود در نظام سیاسی سوریه به دلیل حفظ نفوذ استراتژیکی خود در منطقه و کشاندن جنگ احتمالی با اسرائیل به مرزهای سرزمین‌های اشغالی همچنان از سوریه حمایت و از اصلاحات آرام سیاسی با مشارکت همه گروه‌ها حمایت می‌کند. در حالیکه عربستان بحران سوریه فرصت مناسب برای امتیازگیری بیشتر از ایران و تضعیف موقعیت برتر منطقه‌ای آن دانسته است. لذا از دیدگاه ریاض سرنگونی حاکمیت علوی در سوریه و تضعیف

حزب ا.لبنان ضمن برهم زدن توازن استراتژیک منطقه احتمال حفظ رژیم آل خلیفه در بحرین را نیز افزایش خواهد داد. حاکمان سعودی برنده شدن در سوریه را به منزله برنده شدن در کل منطقه و تحدید حوزه نفوذ ایران شیعی قلمداد کرده و تلاش دارند با تجهیز هر چه بیشتر گروه تروریستی نظیر النصره و گسترش آشوب داخلی، ابتکار عمل را از دیگر گروه‌های معارض میانه رو سوری سلب کنند. (احمدزاده: ۱۳۹۲)

۷-۴- ائتلاف راهبردی خاورمیانه "معروف به ناتوی عربی"

یکی دیگر از حوزه‌های ائتلاف پنهان میان اسرائیل و عربستان سعودی، به مساله ناتوی عربی باز می‌گردد. اگر اوج همکاری کشورهای عربی را بتوان در اجلاس شرم‌الشیخ^۱ در ۲۴ فوریه سال ۲۰۱۵ مشاهده نمود، که در آن توافق شد که «نیروی مشترک عربی» با هدف مقابله با خطرات و دفاع از امنیت و آینده جهان عرب تشکیل شود در عین حال، می‌توان از زمینه‌یابی برای اوج‌گیری روابط کشورهای عرب و خصوصاً عربستان با اسرائیل نیز سخن گفت. محمد بن سلمان^۲، در دسامبر ۲۰۱۵ تشکیل ائتلاف نظامی اسلامی برای مبارزه با تروریسم و تندروی را اعلام کرد. (دیپلماسی ایرانی، ۲۹ آبان ۱۳۹۷) نام این ائتلاف را نیز «اتحاد استراتژیک خاورمیانه یا میسا»^۳ گذاشته‌اند که در سطح رسانه‌ها به «ناتوی عربی» معروف شده است. (Aluwaisheg, 1 October, 2018) مایک پومپئو وزیر امور خارجه ایالات متحده، در روز جمعه ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸ (۶ مهر ۱۳۹۷) در حاشیه اجلاس سالیانه مجمع عمومی سازمان ملل متحد، میزبان وزیران امور خارجه شورای همکاری خلیج فارس و دو کشور دیگر عربی، مصر و اردن، برای بحث در زمینه مسائل منطقه‌ای، به ویژه درباره تشکیل اتحادیه راهبردی خاورمیانه بود، اتحادیه‌ای که از آن با عنوان ناتوی عربی یاد می‌شود. پومپئو در این نشست ضمن تاکید بر شکست داعش، برقراری صلح و ثبات در سوریه و یمن، و همچنین پیشرفت امور در عراق، یکی از اهداف اصلی این اتحادیه را توقف اقدامات زیانبخش ایران در منطقه اعلام کرد. "اتحادیه راهبردی خاورمیانه یا ناتوی عربی" «۱۲ آبان ۱۳۹۷» نام اولیه‌ای که برای ائتلاف عربی جدید برگزیده شده "میسا" است که مخفف عبارت عربی "ائتلاف راهبردی خاورمیانه" است.

آمریکا به همین منظور، طرح ناتوی عربی را در دوره ترامپ پیشنهاد داده است. اگر ناتوی اروپایی برای مقابله با اتحاد جماهیر شوری ایجاد شده بود که پس از فروپاشی شوروی، ناتو

1. Sharm El Sheikh Conference

2. Mohammad Bin Selman Al Saud

3. Middle East Strategic Alliance (Mesa)

علیه روسیه وارد عمل شد، اکنون نیز آمریکایی‌ها برای اینکه، هم هزینه‌های خود را کم کنند و هم از ظرفیت‌های سران کشورهای عربی منطقه بیشتر استفاده ببرند، این مساله را پیگیری می‌کنند. اگر این طرح آمریکا برای تشکیل ناتوی عربی با موفقیت روبرو شود، احتمال پیوستن برخی دیگر از کشورهای عربی به آن نیز می‌رود. (مجمع جهانی صلح اسلامی، مارس ۲۰۱۷) این ناتوی منطقه‌ای دارای کارکردهای جهانی به مانند ناتوی اصلی نیست و منطق کارکرد و سوبه‌ی عملکرد آن محدود به فضای خاورمیانه و در گسترده‌ترین حالت، کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا است. یعنی دقیقاً جایی که ایران بیشترین نفوذ را بر تحولات آن دارد. در رابطه با این طرح و نحوه طرح و اجرای آن دو مساله جالب وجود دارد: مساله اول این است که طراحی و پیگیری‌های لازم برای اجرای این طرح نه در پایتخت‌های کشورهای عربی، بلکه در کاخ سفید صورت می‌گیرد و آمریکا مهم‌ترین حامی اجرای آن در مقطع کنونی است.

مساله دوم جالب توجه در رابطه با این طرح این است که نخستین بار این ایده بعد از دیدار دونالد ترامپ رئیس جمهور آمریکا و بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی در کاخ سفید مطرح شد. اسرائیل اعلام کرده است که این ایده خوب بوده و از آن حمایت می‌کند. اسرائیل پیش از هر اقدامی و به شکل عجولانه، با وجود عقبه تاریخی تنش با جهان عرب و نیز سابقه‌ی جنگ‌های خونین با کشورهای عربی همسایه‌اش، پس از طرح شکل‌گیری ناتوی عربی، طی بیانیه‌ای از پیوستن به آن سخن گفته بود و با آغوش باز حضور در این ائتلاف را مطرح کرده بود. اگر چه نگارنده معتقد است که امکان عضویت اسرائیل در ناتوی عربی به شکل یک عضو ثابت امری نامحتمل است، اما دلیل این استقبال اسرائیل از ناتوی عربی را می‌بایست در اهمیت برخورد با ایران دانست. امری که در عمل این نهاد را به یک اتحاد اسرائیلی و سنی علیه شیعیان بدل خواهد کرد. (Pietas, 18 April 2019)

۸- برجام و پسا برجام: تلاقی تهدید مشترک (عربستان - اسرائیل)

تغییر منطق موازنه به نفع ایران

اگر سیاست‌های تحریک آمیز آمریکا و رژیم صهیونیستی بر علیه ایران نبود، حتی با وجود پیشرفت‌های هسته‌ای و به نتیجه نرسیدن مذاکرات نیز تا مادامی که این موضوع تبدیل به معمای امنیتی در منطقه نشده بود، از دیدگاه بسیاری از کشورهای همسایه چندان نگران کننده تلقی نمی‌شد، اما از یک سو به سبب آن تحریک‌ها و از سوی دیگر به دلیل مشکلات

عده‌ای که متأسفانه به صورت تاریخی بین ایران و برخی کشورهای همسایه وجود داشته، روند پیشرفت فنی برنامه هسته‌ای و احساس ناامنی برخی کشورهای منطقه به موازات همدیگر پیش رفت. در نتیجه این شرایط، موازنه تهدید یا به عبارت دیگر تهدید در مقابل تهدید به منطق روابط میان ایران و برخی بازیگران منطقه تبدیل شد. با حاکم شدن چنین منطقی در مقابل تهدید ساختگی هسته‌ایش در ایران، تهدیدهای متعدد نظامی، سیاسی، اقتصادی و حتی هویتی شکل گرفت که نتیجه آن ناامنی فزاینده نه تنها برای ایران، بلکه برای کل کشور-های منطقه بود. در چنین شرایطی، مذاکرات منتهی به برجام موازنه تهدید پیشین را به موازنه قدرت یا حداقل قدرت-تهدید به نفع ایران تبدیل کرد. در واقع، اگر تا پیش از آن هر حرکت مثبتی، حتی پیشرفت فنی در برنامه هسته‌ای در عمل معنایی برجام؛ سیاست‌ها، دستاوردها و الزامات جز تهدید بیشتر برای بسیاری از کشورهای منطقه نداشت و تحت تأثیر فضای سیاسی و رسانه‌ای موجود اعمال به ضرر ایران و همگرایی منطقه‌ای تبدیل می‌شد، در گفتمان و فضای جدید، حتی پذیرش غنی‌سازی اورانیوم، داشتن راکتور آب سنگین و داشتن نیروگاه هسته‌ای دیگر نه تنها معنای سابق را ندارد، بلکه حتی از جانب افکار عمومی بسیاری از کشورهای منطقه حق قانونی و منطقی ایران و در راستای ایجاد ثبات بیشتر در منطقه تلقی می‌شود. (خلیلی، ۱۳۹۶)

تهدیدات امنیتی علیه ایران

می‌توان اظهار داشت که عربستان در راهبرد جدید خود با ائتلاف سازی منطقه‌ای در قالب ایران هراسی ۴ محور اساسی را مورد توجه قرار داده است که می‌تواند تهدید مستقیم بر امنیت ملی ایران قلمداد شود که عبارتند از:

الف) معرفی ایران به عنوان بازیگری مداخله‌گر در امور کشورهای عربی: رسانه‌های تبلیغاتی عربستان به واسطه قدرت دلارهای نفتی طی چند سال اخیر در جهان عرب و نیز در سطح جهانی، قصد دارند تهران را به عنوان بازیگری با هدف اشغال پایتخت‌های کشورهای عربی نمایش دهند. در همین راستا، رسانه‌های عربستان در قالب تولید برنامه‌های مختلف بحث هلال شیعی را در قالب تسخیر پایتخت‌های عربی به جهانیان ارائه می‌کنند و از هر فرصتی برای تقویت و نزدیک کردن این فرضیه به واقعیت بهره می‌گیرند.

نمود بارز آن را می‌توان در جریان تظاهرات مردمی کشور عراق ارزیابی کرد که از اول نوامبر ۲۰۱۹، آغاز شده است. در این اعتراضات از یک سو، رسانه‌های سعودی تلاش دارند شهروندان عراقی را به سمت دشمنی با تهران ترغیب کنند و از سوی دیگر، عامل تمامی وضعیت وخیم

عراق را تهران جلوه دهند. هدف اصلی این نوع تبلیغات پیرامون تحولات اعتراضی در منطقه خاورمیانه همانند عراق و لبنان، تنها محدود به این کشورها نمی‌شود بلکه مساله نوعی نمایش اعتراض مردمان این کشورها به حضور و ایفای نقش تهران در کشورهای عربی است تا از این طریق نگاه رهبران سیاسی جهان به سمت مخالفت با سیاست خارجی ایران جلب شود.

ب) معرفی ایران به عنوان عامل بی‌ثبات کننده انرژی: یکی دیگر از اهداف عربستانی‌ها در حوزه ایران هراسی به عنوان راهکاری بر تنگ‌تر شدن حلقه محاصره بر ایران، تبلیغ این مساله است که تهران در روند جریان تبادل آزاد انرژی اختلال ایجاد می‌کند. واقعیت این است که بخشی بزرگ از کشورهای شرق آسیا همچون چین، ژاپن، کره جنوبی و حتی کشورهای اروپایی بزرگ‌ترین خریداران نفت عربستان هستند و خواهان هیچ‌گونه تهدید امنیت واردات نفت از طریق آبراهه‌های دریایی نیستند. در فضای ملتهب جدید منطقه خاورمیانه که در آن حمله به نفت‌کش‌ها و توقیف نفت‌کش‌ها اتفاق افتاده، ریاض در پی آن است که انگشت اتهام را به سوی تهران دراز کند و با سوار شدن بر موج نگرانی‌ها، به افکار عمومی جهانی بقبولاند که ایران می‌تواند تهدید برای امنیت جریان تبادل آزاد انرژی در سطح جهانی باشد. شاید در مقطع کنونی، تبلیغات عربستان سعودی به عنوان معرفی ناامنی در تبادل آزاد انرژی در سطح جهانی با موفقیت قابل توجهی همراه نبوده باشد اما تلاش آمریکا برای ایجاد ائتلافی تحت عنوان «ائتلاف بین‌المللی امنیت دریایی»^۱ در آب‌های خلیج فارس برای حفاظت کشورهای جهان از جریان آزاد تبادل انرژی را نمی‌توان نادیده انگاشت. واقعیت امر این است که یک سوم نفت خام جهان در بازارهای بین‌المللی از تنگه هرمز عبور می‌کند. همچنین تنگه باب‌المندب نیز در نوار دریای سرخ برای کشتی رانی و حمل انرژی به سمت کانال سوئز از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است. (Ratcliffe, 7 November, ۲۰۱۹)

واقعیت امر این است که در صورت ریاست جمهور مجدد دونالد ترامپ در آمریکا بعد از پیروزی در انتخابات سال ۲۰۲۰ می‌توان تقویت و گسترش فزاینده این ائتلاف را در مرزهای دریایی همجوار با ایران انتظار داشت. پیوستن کشوری همچون ژاپن یا کره جنوبی، به ائتلاف دریایی تحت رهبری آمریکا در مقام تهدیدی جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران قابل ارزیابی است. بحث تبادل آزاد انرژی در آبراهه‌های بین‌المللی، مساله‌ای خاص و محدود برای یک یا چند کشور در سطح جهانی نیست، بلکه غالب جامعه جهانی نسبت به این

^۱ - International Maritime Security Construct (IMSC)

موضوع حساسیت بسیار بالایی دارند و در چنین شرایطی تبلیغات عربستان و تلاش این کشور برای تامین هزینه‌های ایجاد چنین ائتلافی می‌تواند تهدیدی بزرگ برای منافع ملی و تنگ شدن هر چه بیشتر حلقه تحریم‌ها بر ایران باشد.

ج) معرفی ایران به عنوان حامی تروریسم: یکی دیگر از محورهای ایران هراسی عربستان در مقام تهدید برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، در ارتباط با تلاش‌های پر هزینه سعودی‌ها برای معرفی تهران به عنوان عامل حمایت از تروریسم در سطح جهانی است. مقام‌های عربستانی، به ویژه عادل الجبیر^۱، وزیر مشاور در امور خارجی، وزیر سابق امور خارجه عربستان سعودی طی چند سال گذشته طی سخنرانی‌ها و در فرصت‌های مختلف تهران را به حمایت از تروریسم متهم کرده و جهانیان را به مقابله با این کشور فراخوانده است.

در همین راستا، متعاقب حمله پهبادی که در ۱۴ سپتامبر ۲۰۱۹ تأسیسات تولید نفت آرامکو سعودی در بقیق و خریص در شرق عربستان سعودی، مورد هدف قرار گرفت و خسارات بزرگی به آن وارد شد، شاهد بودیم که عربستان ایران را به خنجر کشیدن از رو و جنگ آشکار علیه عربستان و متحدان‌اش به ویژه آمریکا متهم کرد. در شرایط بعد از این رخداد رسانه‌های سعودی قصد دارند ایران را به عنوان عامل این حمله پهبادی معرفی کنند تا از این طریق مسیر ایجاد یک جبهه فراگیر جهانی علیه ایران را فراهم کنند.

مداومت و هزینه‌های گزاف عربستان در سطح افکار عمومی جهانی برای نمایش ایران به عنوان حامی تروریسم، در میان مدت و بلندمدت می‌تواند تهدیدی جدی برای امنیت ملی ایران باشد. در حقیقت، این رویه زمانی با تهدیدات بیشتر برای تهران همراه خواهد بود که دونالد ترامپ برای دومین بار در سال ۲۰۲۰ به عنوان رئیس‌جمهور آمریکا برگزیده شود. واقعیت این است که حتی اگر تبلیغات نیز کذب باشد، در فضای جدید این امکان وجود دارد که کشورهای مختلف جهان در پیوستن به حلقه کاهش دهندگان مناسبات و همکاری کننده در تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا یا تحریم‌های بین‌المللی بپیوندند. این مساله به وضوح منافع ملی ایران در سطح جهانی را مورد تهدید قرار می‌دهد و می‌توان از آن به عنوان عاملی مهم در عرصه مدیریت سیاست خارجی و جنگ نرم ایران با دشمنان‌اش در سطح خارجی یاد کرد.

د) معرفی ایران به عنوان بازیگری غیر معمول و خواستار تغییر نظام بین‌الملل: شناخته شدن به عنوان عامل بی‌ثباتی و تغییر طلب در سیستم جهانی، بدون تردید یکی از مسائلی که

^۱ - Adel Al Jubair

در دوران‌های مختلف به ویژه پس از قرن بیستم، امنیت ملی یک کشور را مورد تهدید قرار داده است. در واقع، ساختار نظام بین‌الملل فارغ از قضاوت پیرامون اینکه تا چه اندازه درست یا غلط است، به شکل خودکار بازیگران تجدیدنظر دولت در نظم وستفالیایی را مورد تنبیه قرار داده است.

به عبارت روشن‌تر، هر بازیگری که قواعد بازی دولت - ملت و بحث پذیرش حاکمیت دیگر بازیگران را مورد قبول قرار نداده، از سوی شورای امنیت و گاهی یک اجماع جهانی مورد تنبیه قرار گرفته است. نماد بارز این امر را می‌توان در نمونه‌هایی همچون صدام حسین در عراق و معمر قذافی در لیبی مورد اشاره قرار داد. این دو سیاست‌مدار که البته به علت تهاجم خارجی حکومت و جان خود را نیز از دست دادند، در مقاطع مختلف به عنوان تهدیدکنندگان نظم جهانی و بازیگری تجدیدنظر طلب شناخته شدند و در نهایت امر شاهد تهاجم خارجی به این کشورها و پایان کار این دیکتاتورها بودیم. در سال‌های اخیر، خصوصاً پس از ظهور داعش ایران نیز گاهاً با تهدیدهای تروریستی مواجه شده است. انفجارهای تروریستی در کشور و حمله به مجلس شورای اسلامی نیز نمونه بارز این موارد است. کشف ده‌ها گروهک تروریستی از سوی وزرات اطلاعات جمهوری اسلامی خود گویای این واقعیت است که ایران قربانی تروریسم می‌باشد. (شبکه خبر، ۶ شهریور ۱۳۹۷) در این میان، ردپای حمایت عربستان از تروریسم در منطقه و نیز ایران، امری است که بارها مورد تاکید مقامات ایران قرار گرفته است. این امر، عاملی برای ثبات کشور و تهدید امنیت ملی ایران به حساب می‌آید. (پایگاه خبری - تحلیلی مطالعات تروریسم، ۲۰ آبان ۱۳۹۶) شبکه العالم نیز به نقل از روزنامه "بوستون گلوب" می‌نویسد که هیچ کشوری مانند عربستان بی وقفه از تروریسم حمایت نکرده است. (العالم، ۳۱ تیر ۱۳۹۱) بنابراین عربستان سعودی تحت تاثیر سیاست راهبردی و اهداف امریکا در منطقه در پی گسترش جنگ‌های نیابتی است. قابلیت‌های اقتصادی، قدرت‌های نظامی و توانمندی‌های راهبردی عربستان نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از توانمندی‌های نظامی و نقش امنیتی این کشور انعکاس ضرورت‌های جنگ نیابتی و جنگ کم شدت امریکا در مقابله با قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. جنگ‌های نیابتی بر اساس واقعیت‌های هویتی، ژئوپلیتیکی، تاکتیکی و راهبردی انجام می‌گیرد. هرگونه نقش یابی عربستان در مقابله با جمهوری اسلامی ایران بر اساس واقعیت‌های محیطی منطق‌ها و ضرورت‌های سیاست بین‌الملل انجام می‌گیرد. به همین دلیل است که جبهه تحت رهبری عربستان در منطقه اعتقاد دارند ایران، عراق، لبنان و سوریه یک هلال شیعی را تشکیل داده‌اند و در راستای مقابله با آن از گروه‌های داعش و القاعده علیه حکومت سوریه

استفاده می‌کنند. مقابله با جمهوری اسلامی ایران را می‌توان محور اصلی الگوی کنش امنیتی پادشاهی عربستان در خاورمیانه دانست. (عابدی، ساجد، ۱۳۹۸: ۴۵)

در بحث تهدیدات امنیتی علیه ایران علاوه بر شکل‌گیری ائتلاف سازی نوظهور در منطقه برای تحدید منافع منطقه‌ای ایران عربستان، بحث حمایت از گروه‌های قومی و تجزیه طلب نیز در دستور کار ائتلاف قرار گرفته است در این راستا می‌توان به حمایت از گروه تجزیه طلب الاحوازیه در خوزستان و نیز گروه جندا... مرتبط با عبدالمالک ریگی در سیستان نام برد در واقع، تفکر وهابی به عنوان اصلی‌ترین حامی و تغذیه کننده ایدئولوژیک دولت سعودی نقش مهمی در فعالیت‌های تروریستی این کشور در منطقه و جهان دارد که به نظر می‌رسد یکی از اهداف سعودی‌ها از ترویج این تفکر، مقابله با قدرت روزافزون محور مقاومت در منطقه باشد. وابستگی و حمایت عربستان سعودی از گروهک‌های تروریستی ایران وقتی واضح تر می‌شود که یک پایگاه خبری فرانسوی فاش می‌کند شاهزاده بندر بن سلطان رئیس دستگاه اطلاعاتی سعودی از گروه‌های مسلح در استان سیستان و بلوچستان ایران برای برهم زدن ثبات این کشور حمایت می‌کند. پایگاه خبری فرانسوی Intelligence online نوشت: بندر بن سلطان رئیس دستگاه اطلاعاتی سعودی افزایش فعالیت خود در منطقه بلوچستان ایران را از جنبه حمایت از یک گروه بنیادگرای مخالف ایران با هدف برهم زدن ثبات این کشور آغاز کرده است. بندر بن سلطان از دستگاه اطلاعاتی پاکستان (ISI) خواست تا عناصر جیش العدل را در خصوص جنگ‌های چریکی آموزش داده و سلاح لازم را برای اجرای حملات در داخل ایران در اختیار آنها قرار دهد (خبرگزاری مهر، ۲۸ آبان ۱۳۹۲)

- جمع بندی و راهبردهای پیش روی ایران

رویکرد سیاست خارجی عربستان در دوره ملک سلمان از نقش کشوری محافظه کار به تمایلات تجدید طلبانه در قالب شکل دهی به ائتلاف منطقه‌ای و بین‌المللی تبدیل شده است. در واقع با وقوع بهار عربی و تشدید تضاد منافع ایدئولوژیکی و ژئواکونومیک و نیز ژئواستراتژیک میان دو کشور، حاکمان جدید عربستان با تشکیل ائتلاف‌های منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال برتری جوی و نظم دهی مطلوب حوزه پیرامونی و سپس جهان عرب برآمده‌اند.

عمدترین کانون‌های بحران میان تهران ریاض - سوریه - عراق و یمن ذکر شده است. در این میان، یافته‌های پژوهش حاکی از آن است روابط گسترده تجاری-نظامی عربستان و آمریکا و احتمال برقراری روابط میان اسرائیل در قالب ناتوی عربی تجلی پیدا کرده می‌تواند بیشترین تهدید را متوجه منافع ایران در منطقه سازد از دیگر سو، تنوع قومیتی در ایران و افزایش تحرک-

های گروه‌های تجزیه طلب مورد حمایت عربستان در ایران از دیگر تهدیدات امنیتی ذکر شده است. در حالیکه ائتلاف سازی در یمن تحت عنوان طوفان قاطع و نیز ائتلاف ضد تروریستی و نظامی در میدان عمل، با ناکامی روبروست. از دیگر سو نفوذ گسترده سیاسی و نظامی ایران در عراق، سوریه یمن و حتی بحرین و روابط نظامی با حزب الله لبنان و گروه‌های مقاومت در فلسطین (حماس، جنبش جهاد اسلامی...) و اخیر حوثی‌های یمن و نیز رشد صنایع نظامی و دفاعی و افزایش قدرت موشکی و نظامی از ظرفیت‌های بالقوه و بالفعل ایران در مقابله با تهدیدات امنیتی عربستان محسوب می‌گردد. در ذیل به برخی راهبردهای آتی ایران در قبال ائتلاف سازی های اخیر عربستان سعودی در منطقه اشاره می‌شود: ۱. پرهیز از اقدامات و اظهار نظرهایی که منجر به تحریک بازیگران بی طرف و خنثی در منطقه می‌شود. در واقع، طرح بستن تنگه هرمز اگر چه می‌تواند اقدامی بازدارنده باشد، موجب کاهش گرایش‌های گریز از مرکز بازیگرانی چون: کویت، عمان و قطر و ایجاد نوعی همبستگی در شورای همکاری خلیج فارس می‌شود، حال آنکه باید از ظرفیت‌های شکاف در این شورا بیشترین بهره را ببرد؛ ۲. افزایش مانورهای نظامی در خلیج فارس با بازیگرانی روسیه و چین دعوت از دیگر بازیگران برای همکاری‌های امنیتی چون عمان، کویت، قطر و حتی ترکیه؛ ۳. افزایش سطح همکاری و در صورت امکان، تقویت ائتلاف‌های منطقه‌ای با قطر و ترکیه، به خصوص که آنکارا در حال افزایش نقش در منطقه خلیج فارس است و نه تنها با قطر، بلکه با کویت نیز تفاهم نامه‌های نظامی و امنیتی امضا کرده است؛ ۴. تأکید بر نقش مستقلانه مصر در خاورمیانه و استفاده از ظرفیت‌های خروج آن از ناتوی عربی به شکل ارسال سیگنال‌های سیاسی و در صورت وجود ظرفیت، آمادگی برای افزایش تبادلات اقتصادی؛ ۵. حفظ و کاهش دادن انگیزه‌های اردن برای پیوستن به ناتوی عربی. با توجه به رویکرد بی طرف و نه چندان خصمانه این کشور با ایران و با عنایت به اینکه تهران ارتباطات سیاسی و اقتصادی نسبتاً خوبی با اردن دارد؛ ۷. طرح پیگیری مجددانه صلح هرمز در نشست‌های امنیتی منطقه و نیز کنفرانس‌های بین‌المللی؛ ۶. اتخاذ اقدامات واقع‌بینانه برای مواجهه با FATF؛ و همکاری با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در قالب NPT؛ ۷. حفظ برجام و استفاده از برخی ظرفیت‌های داخلی آن برای اقدام متقابل؛ ۸. همراهی بیشتر با رویکرد بین‌المللی در کانون‌های بحران چون سوریه و...، تلاش همه‌جانبه سیاسی برای خروج بحران از فاز نظامی به سیاسی؛ ۹. برندسازی در مقام یکی از الگوهای اساسی دیپلماسی فرهنگی ایران، در مواجهه با ایران هراسی با تمرکز بر حوزه گردشگری برای بهبود وجهه و ارائه چهره‌ای مثبت از ایران در عرصه بین‌المللی می‌تواند دیگر راهبرد حوزه دیپلماسی در مقوله قدرت نرم قلمداد گردد.

منابع فارسی

کتاب

- احمدی، حمید (۱۳۸۶) روابط ایران و عربستان در سده بیستم دوره پهلوی، تهران، چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه
- برزگر، کیهان (۱۳۹۸)، سیاست منطقه‌ای ایران در بستر زمان، مرکز تحقیقات استراتژیک خاورمیانه
- قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۴)، اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، چاپ یازدهم، انتشارات سمت
- مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت، چاپ سوم
- مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۳)، تسری رقابت‌های ژئوپلیتیکی به تضادهای هویتی در خاورمیانه، سیاست جهانی دوره ۳، بی جا

مقالات

- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۸)، سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال هفدهم، شماره ۶۸
- علی احمدی، محمد زارع (۱۳۹۰)، تحلیلی بر روابط آمریکا و چین در پرتو تئوری توازن قوا، فصلنامه روابط خارجی سال پنجم
- فیروز کلاتی، عبدالرضا (۱۳۹۴)، تحلیلی بر مهمترین علل تهاجم نظامی ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷
- فرهاد عطایی، محمد منصوری مقدم (۱۳۹۲)، راهبرد واقع‌گرایانه بر بستر هویتی، فصلنامه روابط خارجی، شماره ۱۷
- رضایی، نیما (۱۳۹۴)، ائتلاف بی سابقه علیه یمن؛ چشم‌انداز و آینده، مجله دیپلمات، شماره دوم
- رحمان نجفی سیار، خلیل قلخانباز (۱۳۹۶)، دلایل و نشانگان رویکرد تهاجمی عربستان علیه جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه روابط خارجی سال نهم، شماره سوم
- همیانی، مسعود (۱۳۹۴)، تغییر جهت در سیاست خارجی عربستان سعودی: از استراتژی موازنه تا ائتلاف، فصلنامه سیاست خارجی، سال بیستم ونهم، شماره ۱

خبرگزاری

- العالم (۳۱ تیر ۱۳۹۸)، روزنامه آمریکایی: هیچ کشوری مثل عربستان بی‌وقفه از تروریسم حمایت نکرده است، قابل دسترس در:

<https://fa.Alalam.tv.net/news/3807161>

- احمدزاده، داود (۱۳۹۲)، تهران-ریاض به سمت تقابل می‌روند، قابل دسترسی در:

Ir/dipolomacy.Ir/fa/news.101536

- اولیائی، محمد (۱۳۹۲)، روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان، پنجشنبه ۷ دی، قابل دسترسی در اندیشکده تبیین:

Tabyi.center.ir/qadim/nex.php

- خلیلی، تغییر منطق موازنه به نفع ایران، قبل دسترسی در:

<http://www.css.ir/Media/PDF/1396/11/06/636525827084245280.pdf>

- خبرگزاری مهر، بزرگترین حامی مال جیش العدل کیست؟ قابل دسترسی در:

<https://www.mehrnews.com/news/2405107>

- مجمع جهانی صلح ناتوی عربی ۲۰۱۷، قابل دسترسی در:

<http://www.iwpeace.com>

- محمد یاری و دیگران، ترجمه فصل چهارم کتاب ریشه‌های اتحاد نوشته استفن والت، از جنگ شش روزه تا قرارداد کمپ دیوید، قابل دسترسی در:

<http://Jahaneravabet.blogfa.com/post/152>

English Resources

Books

- Waltz, Stephen (1979) **The origins of alliance**. N.y Cornell university

Articles

- Janner, Ariel (2012), **Saudi Arabia and Iran, The struggle for power and influence the Gulf**, International Affairs Review .vol.2000.no3

- **Mearsheimers World - offensive Realism and the struggle for security: International**, vol.27.NO1 (summer 2002)

- George, Liska (1968), **Nations in Alliance: The limits of Interdependence**

- Waltz, Stephen (1987), **alliance Formation and Balance of world power international security**, vol.9, No4

Site

- Cafiero, Giorgio (2017), **Why did Oman join Saudi Arabia's anti-terrorism alliance?** From: <https://www.almonitor.com/> January 5

- Doubine, Serguei and Others (15/12/2015), **what do Russia and Iran think about Saudi Arabia's coalition initiative?** Euro news. From: <https://www.euro->

news.com/2015/12/15/what-do-russia-and-iran-think-about-saudi-Arabia-s-coalition-initiative

- Habib Toumi and Chief, Bureau (2016), **Islamic military coalition holds first meeting in Riyadh**, Gulf News, From: <https://gulfnews.com/world/> March 27

- Miles, Oliver (2015), **Is Saudi Arabia's anti-terrorist alliance real**, **The Guardian**, From: <https://www.theguardian.com/commentisfree/> 16 December 2

- Naseer, Effat (December 22, 2015), **Islamic military alliance**, From: <http://www.aaj.tv/2015/12/islamic-military-alliance/>

-Sesan, Kayode (December 16, 2015), **Turkey Confirms Membership of Sunni 'Islamic Military Alliance'**, **Nigeria, Libya Also Members, Signaling**, From: <http://www.signalng.com>